

بسم الله الرحمن الرحيم

انه لقران کریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا المطهرون

گفتگوی که از این جلسه آغاز می کنیم تفسیر برخی از آیات سوره بقره یعنی از آیه 87 تا 102 است. در این 16 آیه خداوند مجدداً به حالات و رفتار بنی اسرائیل می پردازد.

قبل از شروع درس تفسیر من باور نمی کردم که اینقدر قرآن به حالات بنی اسرائیل بپردازد اما این قوم پرماجرا حالاتشان در قرآن بسیار مطرح شده است؛ شاید علت این امر هم این باشد که آنچه بر بنی اسرائیل گذشته است بر امت پیامبر نیز می گذرد و یا خواهد گذشت.

آیه 87 با فقره ولقد آتینا موسی الکتاب آغاز می شود تا آیه 102 که می فرماید لو کان یعلمون تمام می شود. طبیعتاً روش ما را می دانید ما برخی از فقرات را مطرح خواهیم کرد نه همه آیات را

سوال: در تفسیر تحریم روز شنبه برای یهودیان مطالبی در مورد حیل ربا عنوان شد که این حیل در مسائل فردی برای جلوگیری از افتادن به گناه و حل مسائل مومنین ایجاد شده است. حال سوال این است اگر ربا در جایی مورد اضطرار مکلفین قرار گیرد طبق قاعده اضطرار، دیگر حرمت اولیه ندارد و نیازی به حیل نیست همچنین وجود حیل می تواند با اهداف عالیه شارع ناسازگار باشد؛ افرادی تصور می کنند با افعال صوری مثل دادن یک عدد خودکار و... از ربا رهایی پیدا میکنند در حالی که آثار سوء ربا در جامعه ادامه پیدا می کند.

پاسخ: اصل این بحث طویل الذیل است و شایسته نیست الان به این بپردازم. این را باید در یک مجالی فراخ شما به عنوان محقق دنبال کنید؛ طبیعتاً باید به فقه و مصلحت نیز مراجعه کنید و بحث ما را ذیل کشاکش روح قانون، قانون، با اطلاقات ببینید. اما در حد فی الجمله می توان به شما گفت؛ اگر اضطرار به ربا باشد مثل اینکه شخص بچه مریض داشته باشد و... این را کسی نمی گوید اشکال دارد اما به شرطی که اضطرار محقق شود.

اتفاقاً برخی ها سوال می کنند و می گویند حاج آقا اگر فرضاً کار بانک ها ربا هم باشد ما مضطر هستیم و نمی توانیم بدون این وام زندگی کنیم و... من می گویم واقعاً اگر مضطر باشید اشکالی ندارد اما کسی که ربا می گیرد چون در اضطرار نیست اشکال دارد.

نکته بعد: ما حیل ربا را (مدیریت بعضی از صحنه ها را) در مسائل فردی قبول کنیم؛ تمام دنیا راههای را برای حل مشکلات ارائه می دهند مثلاً شما می توانید مشکلاتتان را با ربا حل کنید یا مثلاً از طریق بیع عینه یا ... حل کنید. اگر کسی میخواهد بیع عینه را ربا بنامد بنامد اما باید بداند که این ربا نیست؛ بیان بیع عینه: شخص می گوید من ماشین دارم پول داری ماشین من را بخری؟ ماشینش را نقد به این آقا می فروشد و این آقا اگر خواست می تواند اقساطی همین الان به خود فروشنده ماشین را به قیمت بالاتر بفروشد. این راه در دنیا مرسوم است. در تمامی کشورهای تورم زده بین نقد و تسویه فرق وجود دارد. نکته دیگر: ما باید نگاه فردی را در مسائل ابزارهای اقتصاد با نگاه عام و کلان متفاوت ببینیم ممکن است تدبیری در مسائل فردی جواب دهد اما اگر بخواهد در بانک بیاید جوابگو نباشد.

آیه 87 می فرماید: و ایدناه بروح القدس ... ما عیسی را به کمک روح القدس تایید کردیم. در اینجا می توانید در مورد تعیین روح القدس تحقیقی انجام دهید گویا روح القدس اضافه موصوف به صفت است یعنی الروح المقدس؛ در اینجا برخی گفته اند مراد از روح القدس جبرئیل است بعضی گفته اند انجیل است حتی برخی گفته اند خود عیسی است البته این احتمال سوم مشکل دارد و معنا ندارد عیسی را با عیسی تایید کردیم اصراری بر این معنای سوم نداشته باشید. در برخی تعابیر آمده است روح القدس

فرشته ای بالاتر از جبرائیل و میکائیل و ... است؛ جالب این است ما بالاتر از آن 4 (جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل) فرشته نداریم و لذا این تعبیر جای تامل دارد.

در جایی دیگر می دیدم روح القدس دو مصداق دارد. 1: روح القدسی که موید انبیاء است. 2. روح القدسی که همراه پیامبر بوده است و الان هم با امام زمان علیه السلام است.

ما اصرار نداریم که کدام درست است در حد اینکه اطلاع از این موارد پیدا کنیم کفایت می کند.

فراموش کردم قرار بود من عوامل تبعیض را برای شما بیان کنم و این وعده را در جلسه قبل به شما داده بودم. در جلسه قبل عواملی مثل تعصب، عدم مطالعه کامل دین، منفعت طلبی و... را به عنوان عامل تبعیض منفی نام بردم و عرض کردم امیرالمومنین علیه السلام هم در نهج البلاغه به این عوامل اشاره دارند؛ اگر دوست دارید مراجعه کنید به خطبه 18 نهج البلاغه؛ حضرت در ذم اختلاف علما بیان کردند. وقتی سوالی می آید: علما با اینکه خدایشان واحد است امامشان واحد است و... اما اختلاف می کنند. بعد حضرت وجوهی را بیان می کند برای علت این اختلاف... ص 74 و 75 نهج البلاغه فیض الاسلام؛ از این خطبه گویا تر خطبه 201 است که در ص 665 تا 667 نهج البلاغه شریف آمده است در آنجا حضرت می فرمایند: 4 علت برای منشا اختلاف علما و تبعیض غلط شمرده شده است. 1. یا کذب است 2. فهم غلط (رجل سمع من رسول الله شیئا لم یحفظه علی وجه فوهم فیه و لم یتعمد کذبا) 3. فهم ناقص 4. طرف شناخته باشد و...

در آیه 88 آمده: و قالوا قلوبنا غلف اینها به تمسخر گفتند قلب ما در پوشش است و...

در قرآن به قلب خیلی مطالب نسبت داده شده است مثلا قساوت، نابینایی و... از طرف دیگر حیات، ممات و... نسبت داده شده است. شما تعبیر به عقل را نمی بینید تعبیر مغز را نمی بینید اما تعبیر روح و نفس را هم می بینید. فی قلوبهم مرض... و لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم آذان لا یسمعون بها؛ گویا قلب باید بفهمد اما قلب این ها فقه نمی کند؛ فقه هم به فهم با تامل می گویند. قرآن در وصف اینها می گوید قلب اینها تامل و فهم ندارد.

در اینجا یک شبهه ای را بعضی بدخواهان علیه قرآن مطرح کرده اند می گویند آنچه قرآن به قلب نسبت می دهد باید به مغز یا روح نسبت دهد نه قلب؛ قلب عضوی مثل کلیه و کبد و... است. لذا قرآن برخلاف کشفیات جدید مساله را مطرح می کند. اگر تفسیر نمونه را ببینید جلد 8 ص 321 و 322 این بزرگواران وارد این بحث شده اند.

مسلم ما که شبهه را قبول نمی کنیم چطور باید این شبهه را جواب دهیم و...

من قبل از اینکه پاسخ بدهم باید روایتی را عرض کنم. امام صادق علیه السلام می فرماید: ما من مومن الا ولقلبه اذنان فی جوفه هیچ مومنی نیست مگر اینکه قلبش دو دریچه دارد دو ورودی دارد اذُن ینفث فیه الوسواس الخناس و اذن ینفث فیه الملک از یک راه وسواس خناس می دمد (دمیدن انحراف) از طرفی هم ملک می دمد (دمیدن حقانیت) فیوید الله المومن بالملک ...

در طول زمان دو پاسخ مدافعان قرآن به این شبهه داده اند. 1. گفته شده ما قبول داریم قلب کارش پمپاژ خون است و... اما قلب در قرآن فقط به این معنا نیست بلکه قلب در قرآن به معنای روح آمده است و این در لغت ثابت شده است. پس اشکال شما وارد نیست. ضمن اینکه همین قلب صنوبری می دانید در احساسات، در ناراحتی در شوق و... خیلی وضعیتش متفاوت است. شما وقتی ناراحت شوید قلب می تپد اگر بدوید تپش می گیرد.

استاد: چه کسی گفته است همین قلب صنوبری کارش مثل کبد و کلیه است؛ اگر تا 40 سال پیش هم اگر این نظریه طرفدار نداشت الان دارد برخی معتقدند سیگنال قلب به مغز بیشتر از سیگنال مغز به قلب است یک موسسه ای در این زمینه تحقیق کرده است کتاب هم دارد. من هر چه گشتم هم یاداشت های خودم را پیدا نکردم.

من تجربه کردم دیدم برخی اشکال می کنند و می گویند چرا دیه بیضه چپ از راست بیشتر است و... این کار باعث شده برخی از علما در صدد توجیه برآیند حتی شخصی مثل شهید ثانی از این حرف متاثر شده است و ... همین جا مچ شخص را بگیرد من به دوستان گفتم اولاً از پزشکان سوال کنید ببینید آیا فرقی بین این دو هست یا نه؟ اجازه ندهید شخص مطلبی را مسلم فرض کند و بر شما حمله کند و... ما احتمال می دهیم مراد از قلب همین قلب صنوبری باشد. و اگر این باشد این نه تنها اشکال نیست بلکه از اعجازات قرآن خواهد بود.

الحمد لله رب العالمین